



Identifying, assessing and analyzing political threats affecting the occurrence of political instability in Iran in the horizon of 1412

Mohsen Biuck^{1*}

Research Paper

Received:
02 August 2024
Revised:
29 September 2024
Accepted:
04 December 2024
Published:
21 December 2024
P.P: 167-199

ISSN: 2008-3564
E-ISSN: 2645-5285



Abstract

The study of political developments in the last few decades shows that social unrest and political instability have been increasing at the global level and have caused the formation of an environment with extreme uncertainty along with complexity and chaos in the political activism of societies. Iran's political-security environment has also been full of conflict and violence during the past century, with fluctuations between stability and instability, and in some cases, the occurrence of these political-security instabilities has surprised the policy-making systems. Is. The current research aims to identify, measure and analyze political threats in the ten-year horizon until 2033. The research approach is of the future research type with the exploratory approach of the mixed type. To collect information, two methods of environmental survey of texts and expert panel were used, and the statistical population is 10 people of scientific and academic opinion in the country, whose opinions were used in interviews by filling out the questionnaire or at the expert table. The findings of the research include the statistics of the threats to the political stability of the Islamic Republic of Iran in the ten-year horizon (2023-2033), the explanation of the threat trend, the explanation of the type and intensity of threats (depth and scope/internal and external) in the mentioned horizon, and the assessment of the probability of threats occurring in the determined horizon of the Islamic Republic of Iran. The results of the research show that political instability in its various forms due to the spread of social and economic inequalities, the decrease in government efficiency, the occurrence of violent conflicts and social riots, the decrease in the rule of law, the decrease in national harmony among the elites, and the increase in the gap between society and the government, are one of the common threats that if the current trend continues and the structures and policies are not reformed in the next decade, the Islamic Republic of Iran will face a serious challenge.

Keywords: Political Threats, Islamic Republic of Iran, Political Instability, Futures Studies.

1. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Basic Sciences, Khatam Al Anbia Air Defense University, Tehran, Iran. Email: Mohsen.b.t89@gmail.com

Cite this Paper: Biuck, M(2024). Identification, Measurement, and Analysis of Political Threats Affecting the Occurrence of Political Instability in Iran in the Horizon of 2033. *Future Studies of the Islamic Revolution*, 4(5), 167–199.

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0).

شناسایی، سنجش و تحلیل تهدیدات سیاسی تأثیرگذار بر وقوع

بی‌ثباتی سیاسی در ایران در افق ۱۴۱۲

محسن بیوک^۱

۴

دوره پنجم
زمستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

صص: ۱۶۷-۱۹۹

شاپا چاپی: ۴۵۲۸-۲۰۰۸

الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۰۷۲



چکیده

مطالعه تحولات سیاسی در چند دهه اخیر بیانگر آن است که ناآرامی‌های اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی در سطح جهانی روند افزایشی داشته و سبب شکل‌گیری محیطی با عدم قطعیت بسیار شدید همراه با پیچیدگی و آشوب در کنشگری‌های سیاسی جوامع شده است. محیط سیاسی-امنیتی ایران نیز در طی یک سده گذشته محیطی پر از کشمکش و خشونت همراه با نوسان در بین ثبات و بی‌ثباتی بوده و در مواردی وقوع این بی‌ثباتی‌های سیاسی-امنیتی سبب غافلگیری نظام‌های سیاست‌گذاری شده است. پژوهش حاضر در پی شناسایی، سنجش و تحلیل تهدیدات سیاسی در افق ده‌ساله تا ۱۴۱۲ برآمده است. رویکرد پژوهش از نوع آینده‌پژوهی با رویکرد اکتشافی از نوع آمیخته است. برای جمع‌آوری اطلاعات از دو روش پیمایش محیطی متون و پتل خبرگانی استفاده شده و جامعه آماری آن ۱۰ تن از افراد صاحب‌نظر علمی و دانشگاهی کشور است که با آن‌ها مصاحبه و در تکمیل پرسش‌نامه یا در میز خبرگی از نظرات آن‌ها استفاده شده است. یافته‌های پژوهش دربرگیرنده احصاء تهدیدات ثبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران در افق ده‌ساله (۱۴۱۲-۱۴۰۲)، تبیین روند تهدیدات، تبیین نوع و شدت تهدیدات (عمق و دامنه/ داخلی و خارجی) در افق یادشده، سنجش احتمال وقوع تهدیدات در افق تعیین‌شده پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که دلیل رواج نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، کاهش کارآمدی حکومت، وقوع تضادهای قهرآمیز و شورش‌های اجتماعی، کاهش حاکمیت قانون، کاهش وفاق ملی در بین نخبگان و افزایش شکاف بین جامعه و دولت، بی‌ثباتی سیاسی در اشکال مختلف آن، یکی از تهدیدات رایجی است که در صورت ادامه روند فعلی و عدم اصلاح ساختارها و سیاست‌گذاری‌ها در یک دهه آینده، نظام جمهوری اسلامی ایران را با چالش جدی مواجه خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: تهدیدات سیاسی، جمهوری اسلامی ایران، بی‌ثباتی سیاسی، آینده‌پژوهی.

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم پایه، دانشگاه پدافند هوایی خاتم الانبیا(ص)، تهران، ایران.

Email: Mohsen.b.t89@gmail.com

استناد: بیوک، محسن (۱۴۰۳). شناسایی، سنجش و تحلیل تهدیدات سیاسی تأثیرگذار بر وقوع بی‌ثباتی سیاسی در ایران در افق

۱۴۱۲، نشریه علمی آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، ۴(۵)، ۱۶۷-۱۹۹.

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27173674.1403.5.1.1.3>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع) © نویسندگان



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

ثبات و پایداری نظام‌های سیاسی و پرهیز از منازعه خشونت‌آمیز یکی از نخستین اهداف علم سیاست و کارکرد سیستم‌های سیاسی به شمار می‌رود. با وجود آن که کنش‌های اعتراضی و برخورداری از حق اعتراض و بیان آن در برابر حاکمیت‌ها یکی از ملزومات سیاست ورزی در دنیای مدرن است اما در جوامعی که فرهنگ سیاسی دموکراتیک در آن‌ها ضعیف است این اعتراضات به سرعت شکل خشونت‌آمیز به خود می‌گیرد و تبدیل به یک تهدید برای نظام سیاسی می‌شود. روند تحولات هم‌بیانگر آن است که ناآرامی‌های اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی در سطح جهانی در طی چند دهه گذشته، روند افزایشی پشت سر گذرانده و به تعبیر تد رابرت گر «پس از جنگ جهان دوم تاکنون، اقدامات خشونت‌آمیز برای برانداختن حکومت‌ها در سطح جهان، شایع‌تر از انتخابات سراسری بوده است» (گر، ۱۳۸۱: ۲۴)؛ بنابراین با توجه به شرایط گذار و بحران در سیاست جهانی، در علم محیط‌شناسی راهبردی لزوم برشماری و توجه مداوم به تهدیدات از نظر عمق، دامنه، شدت، ضعف و حجم آن، به یک مقوله‌ای دائمی تبدیل است. آینده‌پژوهی، پیش‌نگری و آمادگی سازمان‌ها، دولت‌ها و سیاست‌گزاران به‌منظور شناسایی تهدید و دفع آن، اقدامی عقلانی و منطقی است و در محیط پیچیدگی - آشوب دنیای امروز، از ضرورت‌های اصلی و اساسی محسوب می‌گردد.

نظام مسائل جامعه ایرانی در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... طی چند دهه اخیر، یک نظام مسائل گسترده با طیف متنوع و متکثری از موضوعات بوده و هر یک از این مسائل، ظرفیت آن را دارند تا ثبات سیاسی و امنیتی کشور را با چالش جدی مواجه سازند. پیش‌نگری و شناخت تهدیدات اولین و مؤثرترین گام در مقابله با تهدید به شمار می‌آید و در صورت حاصل شدن شناخت دقیق از تهدیدات و بررسی روندهای تغییرات آن‌ها، می‌توان سیاست‌ها، راهبردها، برنامه‌ها و ساختار متناسب با تهدیدات آینده را ایجاد کرد و از وقوع رویدادهایی که می‌تواند ثبات سیاسی - امنیتی کشورها را با چالش اساسی و بی‌ثباتی فراگیر مواجه می‌سازد پیشگیری کرد. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران در طی چهار دهه گذشته همواره با چالش‌های امنیتی با منشأ داخلی و خارجی روبرو بوده است در راستای شناخت تهدیدات

تلاش‌های علمی خوبی صورت گرفته، اما لازم است ضمن توجه بیشتر به منابع داخلی تهدید و روزآمدسازی آن‌ها با توجه به پویا و سیال بودن محیط، نگاهی آینده‌پژوهانه به مسائل حوزه ثبات و بی‌ثبات سیاسی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران داشت تا از وقوع غافلگیری در مواجهه با بحران‌های سیاسی-امنیتی جلوگیری به عمل آید. هدف پژوهش پیش‌رو، شناسایی، تحلیل و سنجش تهدیدات سیاسی تأثیرگذار بر وقوع بی‌ثباتی‌های سیاسی در آینده است که با رویکرد آینده‌پژوهانه از نوع اکتشافی آن انجام گرفته است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بی‌ثباتی سیاسی

اندیشمندان و صاحب‌نظران جامعه‌شناسی و علوم سیاسی تعاریف مختلفی از مفهوم ثبات و بی‌ثباتی ارائه کرده‌اند. در یک طبقه‌بندی کلی می‌توان مفاهیم ثبات و بی‌ثباتی سیاسی را در قالب هفت دیدگاه طبقه‌بندی کرد:

۱- دیدگاه تداوم: این دیدگاه که به مارتین لیبست تعلق دارد و بر این اساس استوار است که نظام‌هایی که دارای حکومت دموکراتیک مستمر بوده و یا در طول سال‌های معینی حکومت تمامیت‌خواه پایدار یا دموکراتیک مستمر داشته‌اند «باثبات» قلمداد می‌شوند و نظام‌های سیاسی که بین این دو حالت در نوسان بوده‌اند را «بی‌ثبات» معرفی کرده است. در این دیدگاه، ثبات سیاسی به‌عنوان تداوم نوعی خاص از نظام سیاسی فارغ از مردم‌سالار یا دیکتاتور بودن آن تعریف شده است و هرگونه دگرگونی در نظام سیاسی نمایانگر بی‌ثباتی سیاسی است و حالت بینابینی وجود ندارد. (پناهی، ۱۳۸۳: ۳۴).

۲- دیدگاه تجربی: در این دیدگاه فرض بر این است که وقوع بی‌ثباتی به‌طور مستقیم با مسئله تغییر از نوع حوادث سیاسی و نسبت فراوانی وقوع آن ارتباطی مستقیم دارد. در این دیدگاه مسئله بی‌ثباتی سیاسی دارای چارچوبی بسیار وسیع‌تر از نوسانات در چارچوب نظام‌های غیردموکراتیک و دموکراتیک است و به هر میزان که تعداد تظاهرات، تغییرات حکومت، شورش، کودتا، وقوع جنگ چریکی و مرگ در اثر خشونت سیاسی در کشوری در هر دوره زمانی بیشتر باشد، آن کشور بی‌ثبات‌تر به شمار می‌آید و در مقابل، ثبات، عبارت است از عدم وقوع رفتارها یا

رفتارهای بی‌ثبات کننده که دربرگیرنده موارد یادشده است. در این رویکرد، میزان بی‌ثباتی با میزان تکرار حوادث «بی‌ثبات کننده» که قابل مشاهده و ثبت هستند، سنجیده می‌شود. (محمدی لرد، ۱۳۹۳: ۲۲).

۳- دیدگاه ژورنالیستی: این دیدگاه که توسط روزنامه‌نگاران سیاسی ارائه شده است و با دیدگاه‌های قبلی دارای تفاوت‌های خاصی است. این دیدگاه مبتنی بر دو مولفه است: مولفه اول، تأکید بر وضعیت‌های نسبتاً کوتاه‌مدت از بی‌ثباتی سیاسی است و دوره‌های بسیار کوتاه (مثل چند روز، چند هفته و حداکثر چند ماه) و دوم آن که همسان دیدن بی‌ثباتی سیاسی با بلا تکلیفی، سردرگمی و عدم قطعیت (پناهی، ۱۳۸۳: ۳۵) به عبارتی، بی‌ثباتی سیاسی هنگامی است که یک حکومت مورد چالش قرار گرفته و به سقوط تهدید می‌شود و یا شامل الگوهای از رفتار سیاسی است که یک نظام سیاسی را به شکل متعارف و غیررسمی تهدید به تغییر می‌کند. بی‌ثباتی سیاسی یک نامعلومی یا تردید را در تداوم نظام و یا حکومت مستقر به وجود می‌آورد که بر روی اقتدار و کارایی نظام یا حکومت تأثیر می‌گذارد. (عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۶۷).

۴- دیدگاه سیستمی: نظم و ثبات هر نظام سیاسی در این دیدگاه مبتنی بر دو اصل است. اول اینکه نظام سیاسی بتواند کار ویژه‌های خود را به خوبی انجام دهد و با سایر سیستم‌های فرعی جامعه روابط متقابلی داشته باشد و دوم اینکه میان حوزه‌های اصلی نظام اجتماعی ناهماهنگی و عدم تعادل شدید روی ندهد. در دیدگاه سیستمی لازم است در بررسی یک نظام سیاسی میان «دگرگونی سیستم» و «دگرگونی در سیستم» تفاوت خاصی قائل شد. چون ثبات منافاتی با تحول ندارد؛ اما این تحول ایجادشده باید متضمن بقاء سیستم باشد. در این دیدگاه، نظام سیاسی زمانی با ثبات است که به طور منظم با دریافت داده‌ها، آن‌ها را به بازده تبدیل نماید و در مدار داده‌ها، فرآیند، بازده و برخورد گسست ایجاد نشود. در دیدگاه سیستمی، منظور از ثبات، تغییر و پیشرفت مسالمت‌آمیز در سیستم و ایجاد تعادل در آن است و خروجی داده‌ها و فرآیندها در آن قابل پیش‌بینی است و بی‌ثباتی سیاسی حالتی است که در آن در اثر تعارض نیروهای سیاسی و وجود نیروهای قدرتمند رقیب بر خروجی سیستم تأثیرگذار بوده و حالت عدم تعادل شکل می‌گیرد. (خواججه سروی، ۱۳۸۵: ۸۷-۸۶).

۵- دیدگاه مشروعیت: در این دیدگاه، نظام‌های سیاسی و اجتماعی با ثبات نظام‌هایی هستند که در آن اکثر مردم در بیشتر اوقات، دلایلی برای کنش در جهت حمایت و بقای نظام دارند و

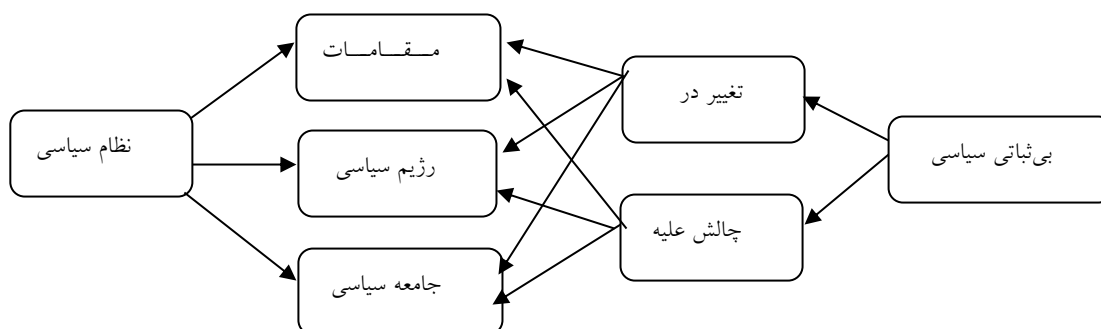
ممکن است دلایل حمایت از یک نظام سیاسی برای شهروندان آن بسیار گسترده و پیچیده باشد. از عوامل قانونی و ساختاری همانند نظام‌های انتخاباتی و نظام‌های حزبی در یک سیستم سیاسی گرفته تا نوع شکاف‌های اجتماعی و نحوه ترکیب آن‌ها. اندرو هیود بر این باور است که ثبات سیاسی یک نظام سیاسی در گرو صورت دموکراتیک و مشروع آن است یعنی برای اینکه جامعه‌ای در گروه جوامع باثبات قرار گیرد شرط لازم آن است که در آن ارزش‌های دموکراتیک دنبال و حفظ شود. در صورتی که این ارزش‌های دموکراتیک وجود نداشته باشد و نظام‌ها مبتنی بر اقتدارگرایی باشند و سال‌های متمادی هم به حکومت خود ادامه دهند نمی‌توان آن‌ها را باثبات تلقی کرد. (پناهی، ۱۳۸۳: ۳۶).

۶- دیدگاه هنجاری: در این دیدگاه، ثبات سیاسی حالتی است که در آن اعضای جامعه از الگوهای رفتاری واقع در محدوده‌های ناشی از انتظارات نقش سیاسی منحرف نشده باشند. هر جامعه‌ای دارای هنجارهای مخصوص به خود است و الگوهای رفتاری از نقش‌های سیاسی مرتبط با هنجارهای جامعه پدید می‌آیند. در این دیدگاه، نظام باثبات نظامی است که در آن تعارض محدود است و بازیگران اصلی بر سر قواعد رقابت با یکدیگر توافق دارند و نظام بی‌ثبات نظامی است که ناسازگاری اهداف، مانع رسیدن به چنین توافقی می‌شود. (خواجه سروی، ۱۳۸۵: ۹۸). شرط ثبات سیاسی توافق و سازگاری میان هنجارها و اهداف فرد و جامعه است و بی‌ثباتی سیاسی زمانی بروز می‌یابد که هنجارهای اجتماعی سابق توسط گروهی از مردم شکسته شود و اگر نظام سیاسی بتواند در این شرایط چالش‌برانگیز، الگوهای هنجاری خود را همچنان حفظ کند از ثبات بیشتری برخوردار خواهد شد.

۷- دیدگاه عملیاتی: دیوید ساندرز معتقد است که برای تعریف ثبات و بی‌ثباتی باید از تفکیک سطحی این مفاهیم احتراز کرد و این مفاهیم و مقوله‌ها را پدیده‌ای مستمر و نسبی به شمار آورد. ساندرز در ارائه تحلیل خود با مهم‌دانستن مقوله «زمان» در پی آن است تا نشان دهد که چگونه سطح بی‌ثباتی سیاسی در یک کشور با گذشت زمان تغییر می‌کند؛ بنابراین واحدهای زمانی باید بر پایه‌ی «وضعیت‌های سیاسی کوتاه‌مدت» قرار گیرد و در عین حال باید انواعی از بی‌ثباتی سیاسی را پذیرفت. در این دیدگاه ثبات سیاسی ناظر بر «فقدان نسبی» برخی از انواع حوادث سیاسی بی‌ثبات کننده است که به صورت ایجاد تغییر یا چالش در هر یک از ابعاد نظام سیاسی بروز می‌کند و بی‌ثباتی

شرایطی است که در آن تأثیرگذاری یا تعامل در درون و بین عناصر نظام سیاسی، غیرقابل پیش‌بینی است. (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۱۹-۱۱۷).. ساندرز شش نوع از بی‌ثباتی سیاسی را قابل‌تصور می‌داند که در شکل زیر نمایش داده شده است:

شکل ۱. الگوی بی‌ثباتی سیاسی از دیدگاه ساندرز



(منبع: ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۲۱)

ساندرز بعد از مشخص کردن انواع بی‌ثباتی سیاسی، شاخصه‌های مدل خود را در پنج مقوله تغییر رژیم (تغییر در هنجارهای رژیم، تغییر در نوع نظام حزبی و تغییر در وضعیت نظامی-غیر نظامی) تغییر حکومت (تغییر در قدرت اجرایی مؤثر و تغییرات کابینه) تغییر جامعه (اقدامات تجزیه‌طلبانه موفق) چالش‌های خشونت‌آمیز (ترور، جنگ تروریستی، تروریسم سیاسی، مرگ ناشی از خشونت سیاسی، شورش و تلاش برای کودتا) و چالش‌های مسالمت‌آمیز (اعتصابات سیاسی یا تهدید به اعتصاب، تظاهرات اعتراض‌آمیز، تحرکات انتقادی مخالفان، سخنرانی ضد حکومتی به وسیله رهبران فکری) دسته‌بندی کرده است.

سنجش تهدیدات سیاسی - امنیتی

مفهوم تهدید در نگرش سیستمی، عدم تعادل در سیستم بیان شده است؛ یعنی عاملی که اجازه نمی‌دهد سیستم به اهداف خود برسد. (عبدالله خانی، ۱۳۸۴: ۸۴) پاره‌ای از متون سیاسی-امنیتی، تهدید را به معنای «توانایی‌ها، نیت و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه برای ممانعت از دستیابی موفقیت‌آمیز خودی به علائق و مقاصد امنیتی یا مداخله به‌نحوی که نیل به علائق و مقاصد به خطر افتد، تعریف کرده‌اند.» در تجزیه تحلیل عوامل تهدید، ضرورت دارد به انگیزه تهدید، زمینه تهدید، هدف تهدید،

نوع تهدید، منطقه تهدید، ابزارهای تهدید، مکانیسم تهدید، زمان تهدید، احتمال وقوع تهدید، احتمال موفقیت تهدید، اراده تهدید، تحمل تهدید و مدیریت تهدید توجه گردد تا با برنامه‌ریزی مناسب بتوان تهدید را به فرصت تبدیل نمود. عوامل مؤثر در جدی بودن تهدید از نظر بوزان بدین شرح است: مشخص بودن هویت تهدید، قریب‌الوقوع بودن یا نزدیکی آن از لحاظ زمانی (فوریت تهدید)، شدت احتمال وقوع تهدید و اوضاع و شرایط تاریخی که باعث تقویت تهدید می‌شوند. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۷۰)

تهدیدات از نظر دامنه به سه دسته، تهدیدات با دامنه اندک، متوسط و گسترده تقسیم می‌شوند. از نظر فوریت (نزدیکی و دوری تهدید از نظر زمانی و مکانی) نیز هر چه منبع تهدید به محیط تهدیدشونده نزدیک‌تر باشد، تهدید شدیدتر درک می‌گردد. به عبارت دیگر فوریت آن نسبت به سایر تهدیدات (که از نظر سایر شرایط یکسان هستند) بیش‌تر است. میزان نزدیکی، دوری و فوریت، به مکان و زمان تهدید ارتباط دارد. از جمله شاخص‌های ارزیابی شدت تهدیدات که متأثر از فضای جدید حاکم بر مناسبات بین‌المللی و جهانی شدن، تحولات چشمگیری را تجربه نموده، می‌توان به شاخص مکان اشاره نمود.

از نظر منابع تهدید، تهدیدات به خارجی و داخلی تقسیم می‌شود. گاهی کشیدن مرز بین تهدیدات خارجی و تهدیدات داخلی کار دشواری است. از نظر گونه‌شناسی تهدیدات، آن‌ها را می‌توان به تهدیدات سیاسی - حقوقی، تهدیدات اقتصادی، تهدیدات نظامی، تهدیدات اجتماعی (اجتماعی شده) و فرهنگی، تهدیدات زیست‌محیطی و تهدیدات فناورانه دسته‌بندی نمود.

از نظر سطح نیز می‌توان آن‌ها را به تهدیدات فردی، تهدیدات گروهی، تهدیدات ملی، تهدیدات منطقه‌ای، تهدیدات بین‌المللی و تهدیدات جهانی دسته‌بندی نمود. از نظر جغرافیای تهدید می‌توان آن‌ها را به تهدیدات داخلی و تهدیدات خارجی تقسیم نمود؛ و از نظر توازن و تعادل در تهدید نیز می‌توان تهدیدات را به متعادل و نامتعادل دسته‌بندی کرد. تهدیدات از نظر پیچیدگی به تهدیدات بسیط یعنی تهدیداتی که بر مبنای منطق واحدی تکوین و ظهور یافته‌اند و تهدیدات مرکب قابل تقسیم بوده و از نظر جنس نیز به تهدید عینی و تهدید ذهنی قابل تقسیم می‌باشند. گونه‌شناسی تهدیدات از نظر کانون تهدید آن‌ها را به دو دسته تهدید بازیگران و تهدیدات ساختاری تقسیم نموده و از نظر انگیزه به - تهدیدات عمدی و تهدیدات غیرعمدی تقسیم‌بندی شده‌اند. از نظر کار ویژه نیز می‌توان تهدیدات را به تهدیدات ایدایی یا واقعی و تهدید آزمایشی یا اصلی دسته‌بندی نمود. (مرادیان، ۱۳۸۵: ۹۳)

جدول ۱. الگوی کاربردی پژوهش: شاخص‌های سنجش شدت تهدیدات و میزان احتمال وقوع آنها

تراکم و گستره	خاص و متمرکز / پراکنده
توان تهدید	قوی / ضعیف عمیق: زیاد / کم
فوریت مکانی	نزدیک / دور
فوریت زمانی	قریب / بعید
دامنه تهدید	وسیع / محدود
توان تهدید	قدرتمندی تهدیدگر / قدرتمندی تهدیدشونده
عمق تهدید	منافع بنیادین / منافع حیاتی / منافع مهم / منافع حاشیهای
ابعاد تهدید	ابعاد شش گانه تهدید
احتمال وقوع	زیاد / متوسط / کم
ماهیت تهدید	نظامی - غیر نظامی / به کلی سیاسی - کمتر سیاسی
دامنه و گستره تهدید	سطح: اذیت / سطح: عده / سطح: عده / سطح: عده
شاخص‌های ارزیابی و مدیوریت تهدید	موضوع / مسئله / مشکل / معضل / خطر / بحث / بحران
کار ویژه	ایدایی - واقعی / آزمایشی - اصلی
الکیزه	عمدی / غیر عمدی
کانون تهدید:	تهدید بازگران / تهدیدات ساختاری
جنس تهدید	عینی - ذهنی / سخت - نرم
جغرافیای تهدید	داخلی / خارجی
سطح تهدید	فردی / گروهی / ملی / منطقه‌ای / بین‌المللی / جهانی
شاخصه‌های سنجش	معیار سنجش

مدل مفهومی پژوهش

بر اساس مرور ادبیات نظری در خصوص مفاهیم بی‌ثباتی سیاسی می‌توان مدل مفهومی پژوهش را به شرح نمای شماتیک زیر ترسیم کرد:

شکل ۲. مدل سازی مفهومی بی ثباتی سیاسی (برگرفته از ادبیات نظری پژوهش)



روش پژوهش

علم آینده‌پژوهی در پی مطالعه نظام‌مند، شناسایی، تبیین، شناخت و ساخت آینده و به آزمون گذاشتن و ارزیابی آینده‌های فراروی حاکمیت‌ها، سازمان‌ها و جوامع است و سعی دارد تا در انتخاب و ساخت مطلوب‌ترین آینده، آن‌ها را یاری رساند. (Bell, 2003: 37) رسالت و هدف آینده-پژوهی صرفاً در «پیش‌بینی» مسائل محدود نشده بلکه «شناخت» و «ساخت آینده» به شیوه‌ای آگاهانه و پیش‌دستانه از اولویت‌های این علم میان‌رشته‌ای محسوب می‌شود؛ بنابراین در شناخت و ساختن آینده، صرفاً با یک آینده منفرد و واحد مواجه نیستیم بلکه طیف وسیع و متنوعی از آینده‌ها در مقابل سازمان‌ها، حاکمیت‌ها و جوامع قرار دارد که انتخاب و مواجهه با هر یک از آن‌ها نیازمند داشتن برنامه‌ریزی و اقدام راهبردی خواهد بود. (عنایت‌الله، ۲۰۰۷: ۲). منطبق بر رویکردهای معرفت‌شناسانه آینده‌پژوهی، رویکردهای روشی آن نیز در دو رویکرد کلی «هنجاری» و «اکتشافی» دسته‌بندی می‌شوند. مقوله شناخت در رویکرد معرفت‌شناسی هم‌راستا با رویکرد روشی هنجاری است و رویکرد ساخت آینده در حوزه معرفت‌شناسی منطبق با رویکرد اکتشافی در حوزه روش‌شناسی قرار می‌گیرد. بر اساس پارادایم‌های حاکم بر آینده‌پژوهی، آخرین پارادایم معرفت‌شناسی این علم مبتنی بر «پارادایم مشارکتی» است که این تحولات در حوزه معرفت‌شناسی علمی، سبب شکل‌گیری «فراپارادایم یکپارچه» در حوزه روش‌شناسی شده است بر این اساس، علم آینده‌پژوهی در حوزه روش‌شناسی نیز با مقوله «تکثر» و «تنوع روشی» مواجه است (voros, 2008: 62) از این رو پیش‌نگری و حتی طراحی و ساخت آینده نیز نیازمند به کارگیری ترکیبی از روش‌هاست. به تعبیری دیگر به کارگیری ترکیبی از ابزارهای روشی آینده‌پژوهی برای دست‌یابی به پیش‌نگری یک مسئله یکی از مسائل اساسی در حوزه روش‌شناسی آینده‌پژوهی به شمار می‌رود.

در خصوص روش‌شناسی حاکم بر این پژوهش می‌توان گفت که این پژوهش از نوع آینده-پژوهی با رویکرد اکتشافی (از نوع آمیخته) است و از دو ابزار روشی پیمایش محیطی (کتاب، مقالات، گزارش‌های معتبر علمی و...) و پنل خبرگانی بهره گرفته است. در بخش کیفی پیمایش محیطی متون، ادبیات از طریق جستجوی کتابخانه‌ای تخصصی، اینترنتی (سایت‌های معتبر علمی) و گزارش‌های مراکز علمی و تحقیقاتی داخلی و خارجی به دست آمده است. در بخش کمی پژوهش نیز

به جهت سنجش شاخص‌های شدت تهدیدات و میزان احتمال وقوع آن‌ها پس از برگزاری پنل خبرگانی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته، آراء صاحب‌نظران، متخصصان و کارشناسان خبره سیاسی اخذ و پس از حصول روایی و پایایی قابل قبول در بخش کمی و اطمینان از مقبولیت، انتقال‌پذیری و اعتبار پذیری در بخش کیفی، نتایج، مورد بهره‌برداری واقع شدند. برای تحلیل داده‌های پرسشنامه از روش‌های آمار توصیفی و برای تحلیل مصاحبه‌ها و سؤالات باز پرسشنامه‌ها نیز از روش تحلیل محتوای سیستماتیک استفاده شده است. پایایی پرسشنامه‌ها نیز با کمک ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید. جامعه آماری این پژوهش شامل کارشناسان، محققان و نخبگان علمی و دانشگاهی کشور با حداقل ۱۰ سال سابقه خدمت، ۴۰ سال سن و مدارک تحصیلی دکتری تخصصی است که به‌طور هدفمند از میان افراد واجد صلاحیت انتخاب شدند. لازم به ذکر است که از بین تعداد ۱۰ نفر جامعه آماری پژوهش تعداد ۵ نفر از آن‌ها کارشناسان خبره مسائل سیاسی و امنیتی در سازمان‌های نظامی - امنیتی بوده که در پاسخ به تعیین گرایش سیاسی، خود را مستقل از جناح‌های سیاسی معرفی کرده‌اند. تعداد ۵ نفر دیگر جامعه آماری از اساتید دانشگاه‌های سطح تهران در رشته علوم سیاسی با گرایش جامعه‌شناسی سیاسی تشکیل داده‌اند و به جهت علمی بودن پژوهش و رعایت اصل بی‌طرفی از گرایش‌های سیاسی اصولگرا (۳ نفر) و اصلاح طلب (۲ نفر) انتخاب شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

(۱) روند پژوهی بی‌ثباتی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

بر اساس مدل مفهومی ترسیم‌شده پژوهش در خصوص بی‌ثباتی سیاسی می‌توان گفت که نظام سیاسی ایران روند پرفرازونشیبی در حوزه بی‌ثباتی سیاسی تجربه کرده است که در ادامه به‌اختصار به بررسی آن می‌پردازیم:

چالش دولت موقت بازرگان (ملی‌گراها) و نیروهای مذهبی اولین چالش بی‌ثبات ساز نظام سیاسی در ایران بعد از انقلاب است که سرانجام پس از کشمکش فراوان بر سر تدوین و تصویب قانون اساسی، مسئله سیاست خارجی و تعیین نوع نظام سیاسی جدید، منجر به استعفای دولت موقت منجر شد. (جاسبی، ۱۳۷۹: ۳۶۷) چالش دوم که به نحو بسیار زیادی از چالش اول تأثیر پذیرفته، به بحران قومیت‌ها در سال ۱۳۵۸ و به فاصله چند ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برمی‌گردد که تحت عنوان خلق کرد، ترک، عرب، بلوچ و

خلق ترکمن با تکیه بر ایدئولوژی‌های تجزیه‌طلبانه نظام سیاسی را با چالش بی‌ثباتی مواجهه کرده بودند. به نظر می‌رسد هرزمانی که قدرت دولت مرکزی با چالش‌های سیاسی داخلی یا خارجی مواجه بوده نیروهای گریز از مرکز فرصت بیشتری برای پیگیری اهداف و سیاست‌های تجزیه‌طلبانه خود فراهم دیده‌اند.

اگر چنانچه بر اساس مدل مفهومی پژوهش در خصوص شاخصه‌های بی‌ثباتی سیاسی از کودتای نافرجام نقاب در پایگاه شهید نوژه همدان (۱۸ تیرماه ۱۳۵۸) فاکتور بگیریم عامل بی‌ثبات ساز بعدی مسئله جنگ تحمیلی است که بر اساس دخالت یک عامل خارجی در پی تضعیف ثبات سیاسی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران برآمده بود. نقطه و عامل بی‌ثبات ساز بعدی که در سال اول جنگ تحمیلی در داخل بر اساس دیدگاه تجربی به بی‌ثباتی سیاسی انجامید، چالش مجاهدین خلق (سازمان منافقین) و مسئله عزل بنی‌صدر بود. جدال‌های درونی نیروهای سیاسی در جریان اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۵۸ به مطبوعات و بعد از آن به صحنه سیاست خیابانی و درگیری و تظاهرات کشیده شد و زمانی که طرح عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر در مجلس در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ مطرح گردید سازمان منافقین طی اطلاعیه سیاسی-نظامی شماره ۲۰ خود به جهت حمایت از بنی‌صدر وارد فاز مبارزه مسلحانه شد. در واقع قدرت‌طلبی غیرقانونی بنی‌صدر و روحیه تنش‌زای او به همراه اقدامات غیرقانونی مجاهدین خلق (منافقین) که با هدف کسب قدرت سیاسی و مصادره انقلاب تلاش می‌کردند باعث بروز بحران بی‌ثباتی سیاسی شده بود. (فوزی، ۱۳۸۴: ۴۱۰-۳۸۰). مسئله بی‌ثبات ساز دیگری که در دهه اول انقلاب به وقوع پیوست مسئله عزل آیت اله منتظری از قائم‌مقامی رهبری به فرمان حضرت امام «ره» در هشتم فروردین ماه سال ۱۳۶۸ بود که در واکنش به برکناری ایشان، طرفداران وی در تعدادی از شهرها از جمله قم، نجف آباد و فریدن و... دست به تظاهرات زدند. گرچه این مسئله تبدیل به یک بحران بی‌ثبات کننده ملی نشد اما بر اساس مدل مفهومی ترسیم شده در خصوص بی‌ثباتی می‌توان آن را به‌مثابه نشانه‌های بی‌ثباتی قلمداد کرد. در سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ به‌واسطه اجرای برنامه‌های پنج‌ساله اول توسعه و سیاست‌های تعدیل اقتصادی در دولت هاشمی رفسنجانی، بحران‌ها و تظاهراتی در شهرهای مشهد، اراک، مبارک، چهاردانگه تهران به وقوع پیوست که گسترده‌ترین آن در کوی طلاب مشهد و در جریان تخریب خانه‌های مسکونی غیرمجاز ساخته شده بود که به کشته شدن دست‌کم شش نفر منجر شد. حادثه دیگری که به بی‌ثباتی منطقه‌ای در سطح کشور منجر شد مسئله تبدیل شدن قزوین به‌عنوان یک استان و جدا شدن آن از استان زنجان بود که پس از قول مساعد رئیس‌جمهور وقت در آبان ماه ۱۳۷۲ و تصویب لایحه استان شدن قزوین

در هیئت دولت در ۱۲ مردادماه ۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی لایحه یادشده را رد کرد که پس از متشنج شدن اوضاع، موجی از آشوب و تظاهرات به مدت دو روز قزوین را در برمی گیرد. (محمدی لرد، ۱۳۹۳: ۱۵۰-۱۵۲) بحران شهرستان اسلامشهر بی ثباتی دیگری در زمان هاشمی رفسنجانی بود که به علت معضلات حمل و نقل، آب شرب، توسعه نیافتگی شهرستان اسلامشهر در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ به وقوع پیوست و پس از کشته شدن تعداد سه نفر از معترضان در هجوم به پاسگاه انتظامی اکبرآباد سبب افزایش جمعیت معترض در اسلامشهر و تخریب مراکز دولتی، غارت مغازه‌ها، آتش زدن پمپ‌بنزین‌ها و ... گردید. (بشیریه، ۱۳۸۱: ۸۴-۸۵)

از جمله بحران‌های بی ثبات کننده‌ی سیاسی دولت اصلاحات می توان به وقوع قتل‌های زنجیره‌ای اشاره کرد. انتشار اخبار مربوط به قتل‌های زنجیره‌ای که در جریان آن برخی از شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران به قتل رسیده بودند موجب متشنج شدن فضای کشور و شکل‌گیری تجمعاتی در سطح کشور گردید که پس از دستگیری تعدادی از کارکنان وزارت اطلاعات به برکناری وزیر اطلاعات وقت انجامید. همچنین بعد از تصویب طرح اصلاحیه قانون مطبوعات و مخالفت مجمع روحانیون مبارز با این طرح و به واسطه فضا سازی روزنامه‌های جریان اصلاحات همانند روزنامه سلام، دانشجویان کوی دانشگاه تهران دست به اعتراضاتی زدند که با دخالت نیروی انتظامی این اعتراضات اوج گرفت و به مدت چند روز حوادث خشونت‌بار در شهر تهران بروز کرد و حتی به سایر دانشگاه‌های مراکز استانی دیگر نیز کشیده شد. تحصن نمایندگان مجلس ششم در دی‌ماه ۱۳۸۲ در اعتراض به رد صلاحیت همکاران خود توسط شورای نگهبان در آستانه هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی و همراهی ۱۳ عضو کابینه و ۵۰ معاون وزیر و حتی همراهی استانداران دولت خاتمی با این تحصن از جمله نشانه‌های وقوع بحران بی ثباتی سیاسی بود که در کشور به وقوع پیوست. حتی در ماه‌های پایانی دولت اصلاحات انتشار نامه جعلی دفتر رئیس‌جمهور وقت در خصوص تغییر ترکیب جمعیتی عرب‌های خوزستان سبب شکل‌گیری اعتراضات خشونت‌آمیزی در شهرهای اهواز، حمیدیه، شادگان، فلاحیه، خلف آباد و ... گردید که در این درگیری‌های چندروزه چندین نفر کشته و ده‌ها تن زخمی گردیدند. (محمدی لرد، ۱۳۹۳: ۱۵۴-۱۵۵).

بر اساس مدل مفهومی پژوهش در تحلیل بحران‌های بی ثباتی سیاسی در دولت‌های نهم و دهم محمود احمدی‌نژاد، می توان چند مؤلفه مهم در خصوص بی ثباتی سیاسی استخراج کرد. مؤلفه اول وقوع بی ثباتی

سیاسی بر اساس دیدگاه دیوید ساندرز در این برهه از زمان، تغییر مکرر اعضای کابینه یا مقامات اجرایی در دولت نهم بود که رئیس‌جمهور وقت تعداد ۱۰ وزیر از مقام خود عزل و به جهت جلوگیری از اخذ رأی اعتماد مجدد به کابینه بر طبق اصل ۱۳۶ قانون اساسی، علیرغم میل باطنی خود مجبور به پس گرفتن حکم عزل وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی شد و بر طبق آمار در طول شش سال اول دولت احمدی‌نژاد ۶۵ استاندار در سطح کشور تغییر کردند. مسئله دیگری که از آن می‌توان به وقوع بحران بی‌ثباتی سیاسی یاد کرد انتشار کاریکاتورهای روزنامه ایران با محوریت قومیت ترک در بیست و دوم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۸۵ بود که پس از اعتراضات دانشجویی در تهران و تبریز، دیگر شهرهای آذری‌زبان را به صورت دومینوار در بر گرفت و علاوه بر تخریب اموال عمومی عده زیادی نیز دستگیر شدند. (قاسمی، ۱۳۸۶: ۷۵). مهم‌ترین حادثه بی‌ثبات ساز سیاسی در دولت احمدی‌نژاد را می‌توان حوادث انتخابات سال ۱۳۸۸ به شمار آورد که به دنبال اعلام نتایج انتخابات دور دهم ریاست جمهوری، جریان اصلاحات از پذیرش نتایج انتخابات امتناع کرد و پس از آن از تاریخ ۲۳ خرداد به مدت هشت ماه موجی از بی‌ثباتی و اعتراضات مسالمت‌آمیز و حتی در موارد بسیار زیادی آشوب‌های خشونت‌آمیز کشور را دربر گرفت. بر اساس مدل ترسیمی پژوهش حتی می‌توان ماجرای خانه‌نشینی محمود احمدی‌نژاد بر سر عزل وزیر وقت اطلاعات (حیدر مصلحی) در فروردین‌ماه سال ۱۳۹۰ و مخالفت رهبری انقلاب با استعفای اجباری وی را از نشانه‌های وقوع بی‌ثباتی سیاسی قلمداد کرد.

در دولت‌های یازدهم و دوازدهم با مدیریت حسن روحانی نیز روند بی‌ثباتی‌های سیاسی بر اساس مدل بی‌ثباتی سیاسی رو به افزایش بوده است به‌عنوان مثال روندشناسی اعتراض‌های صنفی و خشونت‌های خیابانی در سال ۱۳۹۶ نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۶ تعداد اعتراض‌های صنفی و برخی از اعتراضات نسبت به سال ۱۳۹۵ به‌طور قابل‌توجهی افزایش داشته و از ۳۵۰ مورد سال ۱۳۹۵ به ۹۰۰ مورد اعتراض در قالب تحصن و تجمع و یا درگیری در مقابل مراکز دولتی و حاکمیتی نظیر مجلس شورای اسلامی، استانداری‌ها و بانک‌ها، شرکت‌ها و کارخانه‌ها و ... رسیده است که اوج این ناآرامی‌ها در دی‌ماه سال ۱۳۹۶ و اعتراض به وضعیت معیشت و گرانی‌های اقتصادی افسارگسیخته بروز پیدا کرد. ناآرامی‌های دی‌ماه سال ۱۳۹۶ یک نقطه عطف مهم در جریان بررسی بی‌ثباتی‌های سیاسی ایران پس از پایان جنگ تحمیلی به شمار می‌رود چراکه از نظر کانون‌هایی که هم‌زمان درگیر خشونت بودند و گستره جغرافیایی آن، صحنه تحولات امنیتی ایران را دگرگون کرد. (سالنمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۶: ۴۲). گرچه در

سال ۱۳۹۷ هم اعتراضاتی از ۸ مرداد آن سال به علت وضعیت اقتصادی کشور و کاهش ارزش پول ملی و افزایش بی سابقه نرخ دلار در بیش از ۱۷ شهر و مرکز استان به وقوع پیوسته بود و بیش از یک هفته موجبات بی ثباتی سیاسی را فراهم ساخت. اعتراضات صنفی و سندیکایی در کنار بحران کمبود آب و ریزگردها همانند سال‌های قبل کماکان در نقاطی از کشور در سال ۱۳۹۸ وجود داشت تا اینکه در ۲۴ آبان ماه سال ۱۳۹۸ پس از تصمیم دولت وقت مبنی بر افزایش قیمت بنزین موجی از اعتراضات و خشونت‌های خیابانی گسترده بیش از ۲۹ استان و ۱۰۴ شهر کشور را دربر گرفت که با توجه به حجم، گستردگی جغرافیایی آن و خشونت به کار گرفته شده توسط معترضان و میزان خسارات وارد شده به اموال عمومی و دولتی از اعتراضات سال ۱۳۹۶ پیشی گرفت و بنا بر اعلام وزیر کشور وقت شمار کشته‌شدگان این ناآرامی‌ها به تعداد ۲۲۵ تن رسیده بود. (سالنمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۸: ۴۵-۶۰). در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ نیز جامعه ایران کمابیش شاهد اعتراضات صنفی و غیر صنفی به علت وضعیت اقتصادی، بحران آب و مطالبات اقشار گوناگون در طی همه ماه‌های سال بوده و در مواردی به خشونت نیز کشیده شده بود اما فراگیرترین بحران بی ثباتی سیاسی در سال ۱۴۰۱ از روز ۲۶ شهریورماه به بهانه مرگ دختر جوانی به نام مهسا امینی در محوطه ساختمان گشت ارشاد پایتخت شروع شد که پس از آغاز سال تحصیلی در مهرماه به سطح مدارس و دانشگاه‌ها کشیده شد و به مدت چند ماه کشور را با بی ثباتی سیاسی مواجه ساخت.

در تحلیل روند پژوهی بی ثباتی سیاسی در ایران ذکر چند نکته ضروری است. نکته اول اینکه چرخه ناآرامی‌های اجتماعی و عوامل بی ثبات کننده سیاسی به یک چرخه بحران ادواری تبدیل شده است و می‌توان گفت بی ثباتی‌های سیاسی به جزء لاینفک نظام سیاسی تبدیل شده است. نکته دوم آنکه فاصله زمانی وقوع بی ثباتی‌های سیاسی در یک دهه اخیر به طرز معناداری نسبت به دهه‌های گذشته کاهش یافته و در بسیاری از ماه‌ها و حتی روزهای سال‌های گذشته شاهد بروز اعتراضات و تظاهرات (مسالمت‌آمیز و یا غیرمسالمت‌آمیز) در قالب مطالبات مختلف هستیم. نکته سوم آن است که ضریب خشونت به کار گرفته شده در اعتراضات نسبت به موارد مشابه در دهه‌های گذشته از سوی معترضان به نحو چشمگیری افزایش پیدا کرده و در مواردی شاهد خشونت عریان و حتی سازمان‌یافته نیز بوده‌ایم که این امر خود به افزایش میزان خسارات و تلفات افزوده است. نکته پایانی به تغییر شکل و ماهیت اعتراضات از دی‌ماه سال ۱۳۹۶ به این سو برمی‌گردد این اعتراض‌ها رهبر و فرماندهی نداشت، بنا بر ابتکار عمل‌های جمعی اما عموماً مستقل سازمان‌دهی شده و در هر نقطه‌ای از کشور بدون سازمان‌دهی قبلی و تشکیلاتی شکل گرفته

است. این ناآرامی‌ها و اعتراضات در دسته اعتراض‌های متعارف مطالبه محور جای نمی‌گیرند در عین حال این اعتراضات حزبی نبوده و تمام نمایندگان حکومتی و انواع سیاست ورزی حزبی از جمله اصلاح طلبی را هم طرد کرده است. (سالنمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۷: ۴۲).

۲) شناسایی و سنجش تهدیدات بی‌ثبات ساز سیاسی آینده جمهوری اسلامی

در افق ۱۴۱۲:

در این مرحله از پژوهش بر اساس بخش دوم چارچوب نظری در خصوص سنجش تهدیدات سیاسی - امنیتی یک الگوی کاربردی برای سنجش تهدیدات سیاسی - امنیتی تأثیرگذار بر وقوع بی‌ثباتی سیاسی آینده جمهوری اسلامی ایران در افق زمانی مشخص شده ترسیم گردید و پس از شناسایی تهدیدات سیاسی در مضامین گسترده پس از به دست آوردن میزان میانگین اهمیت هریک از آن‌ها در یک جمع بندی نهایی این مضامین در پنج مضمون اصلی دسته بندی شده اند. سپس در پندل‌های خبرگانی نسبت به اولویت بندی و وزن دهی و سنجش و ارزیابی تهدیدات سیاسی تأثیرگذار بر وقوع بی‌ثباتی سیاسی در افق ۱۴۱۲ بر اساس الگوی کاربردی سنجش تهدیدات اقدام به عمل آمده است. در گام پایانی نسبت به برآورد احتمال وقوع تهدیدات و روندهای سیاسی آینده و همچنین ارائه تجویزات راهبردی در خصوص مسئله مدنظر اقدام گردیده است.

شناسایی مهم ترین تهدیدات سیاسی

شناسایی تهدیدات سیاسی تأثیرگذار بر وقوع بی‌ثباتی سیاسی در آینده مبتنی بر دو مرحله است. در مرحله اول تعدادی از گویه‌های مربوط به تهدیدات سیاسی از طریق پیمایش محیطی متون بخش پیشینه پژوهش و چارچوب نظری بی‌ثباتی سیاسی شناسایی شده است. در مرحله دوم برای تکمیل گویه‌ها از تعداد ۵ نفر از ۱۰ نفر از خبرگان مشارکت کننده طی یک پرسشنامه خواسته شد تا نظرات تکمیلی خود را در خصوص گویه‌های شناسایی شده بر اساس پیشینه پژوهش و چارچوب نظری به دست آمده مشخص سازند. در مجموع تعداد ۲۰ تهدید سیاسی شناسایی شد و به صورت گویه‌هایی در پرسشنامه‌ای تنظیم و جهت نظرخواهی و تعیین میزان اهمیت و تهدید کنندگی آن‌ها بر اساس طیف لیکرت به کارشناسان ارجاع داده شد. نتایج به دست آمده به همراه میانگین میزان اهمیت هریک از این گویه‌ها بر اساس نظرات خبرگان شرکت کننده در پژوهش در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۲. مهم ترین تهدیدات سیاسی جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۱۲

ردیف	نوع تهدیدات	هر گویه چقدر می تواند طی ۱۰ سال آتی برای جمهوری اسلامی ایران تهدید محسوب شود؟	میانگین
۱	سیاسی	چرخه معیوب گردش نخبگان سیاسی	4.30
۲	سیاسی	فقدان اجماع نظر و وفاق نخبگان بر سر مسائل کلان حاکمیتی	4.07
۳	سیاسی	رواج بی تفاوتی سیاسی در جامعه و کاهش نرخ مشارکت مردم در انتخابات	4.56
۴	سیاسی	شکل گیری اجماع بین المللی علیه ایران و انزوای سیاسی کشور	4.78
۵	سیاسی	کاهش سطح کارآمدی نظام سیاسی و بحران ناکارآمدی عملکردها	4.78
۶	سیاسی	فرسایش سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی به حاکمیت	4.56
۷	سیاسی	نزاع های سیاسی جریان های قدرت در عرصه عمومی و در بین قوای سه گانه	4.08
۸	سیاسی	تداوم تحریم ها و تضعیف زیرساخت های اقتصادی کشور	3.96
۹	سیاسی	تداوم جنگ شناختی دشمن و بحران سازی های سیاسی-اجتماعی ناشی از آن	4.19
۱۰	سیاسی	انباشت نارضایتی ها و عدم پاسخگویی مناسب سیستم سیاسی به آن	3.73
۱۱	سیاسی	نگرانی درباره آینده و احساس ناامیدی در میان جوانان	4.15
۱۲	سیاسی	حرکت های گریز از مرکز و حملات تروریستی علیه ج.ا.ا.	3.85
۱۳	سیاسی	اعتراضات صنفی و اغتشاشات و تضادهای قهرآمیز و شورش های اجتماعی	4.50
۱۴	سیاسی	غلبه نگاه و رویکرد امنیتی در مواجهه با مطالبات جامعه	4.42
۱۵	سیاسی	شکل گیری مقاومت مدنی در برابر سیستم و کاهش سطح مشروعیت سیاسی حاکمیت	4.69
۱۶	سیاسی	احساس محرومیت نسبی در جامعه	4.65
۱۷	سیاسی	رواج و تشدید پدیده قانون گریزی و هنجارشکنی در سطح عمومی	4.50
۱۸	سیاسی	تهدیدات نظامی-امنیتی منطقه ای جمهوری اسلامی	3.45
۱۹	سیاسی	تعمیق شکاف های اقتصادی، نسلی، جنسیتی و ...	4.02
۲۰	سیاسی	شکاف بین جامعه و دولت	4.16

منبع: نگارنده

در مرحله بعد پس از محاسبه میانگین تهدیدات سیاسی فراگیر شناسایی شده بر اساس نظرات خبرگان، لازم بود تا متغیرهای مشابه و مشترک با یکدیگر ترکیب تا متغیرهای کلان تأثیرگذار بر وقوع بی ثباتی سیاسی که هم بتوان ابعاد آن ها را دقیق تر تشریح کرد و هم قابلیت سنجش مناسب تری

داشته باشند ادغام گردید. براین اساس تعداد ۱۹ تهدید سیاسی موجود به منظور تشریح دقیق تر ابعاد آن‌ها در تعداد ۶ مضمون کلان ادغام گردیده‌اند.

جدول ۳. ادغام پیشران‌های تهدید و مفاهیم مشابه در پنل خبرگی

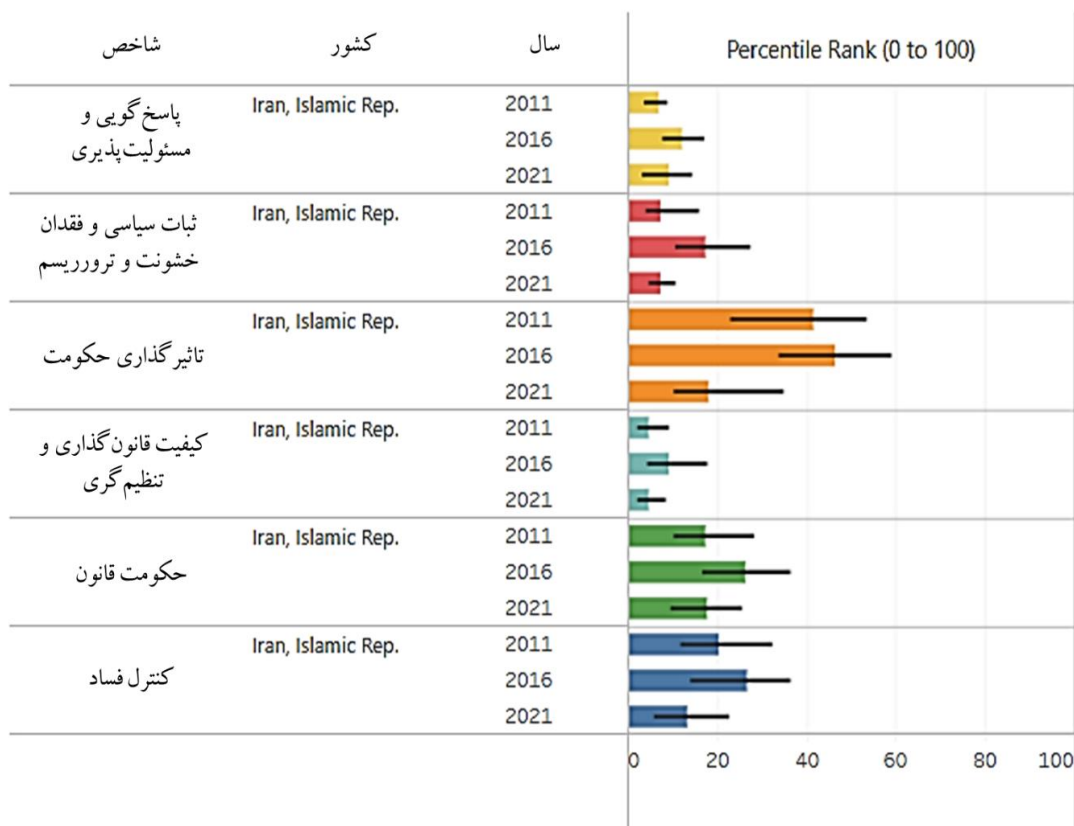
مضامین کلان	مضامین عام
کارآمدی حکومت	شکل‌گیری اجماع بین‌المللی علیه ایران و انزوای سیاسی کشور / تداوم تحریم‌ها و تضعیف زیرساخت‌های اقتصادی کشور
	رواج بی‌تفاوتی سیاسی در جامعه و کاهش نرخ مشارکت مردم در انتخابات / کاهش سطح کارآمدی نظام سیاسی و بحران ناکارآمدی عملکردها / فرسایش سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی به حاکمیت / نزاع‌های سیاسی جریان‌های قدرت در عرصه عمومی و در بین قوای سه‌گانه / انباشت نارضایتی‌ها و عدم پاسخگویی مناسب سیستم سیاسی به آن
نابرابری اجتماعی و اقتصادی	احساس محرومیت نسبی در جامعه / نگرانی درباره آینده و احساس ناامیدی در میان جوانان / تعمیق شکاف‌های اقتصادی، نسلی، جنسیتی و ...
تضاد قهرآمیز و شورش‌های اجتماعی	انباشت نارضایتی‌ها و عدم پاسخگویی مناسب سیستم سیاسی به آن / تداوم جنگ شناختی دشمن و بحران‌سازی‌های سیاسی-اجتماعی ناشی از آن / غلبه نگاه و رویکرد امنیتی در مواجهه با مطالبات جامعه / شکل‌گیری مقاومت مدنی در برابر سیستم و کاهش سطح مشروعیت سیاسی حاکمیت / اعتراضات صنفی و اغتشاشات و تضادهای قهرآمیز و شورش‌های اجتماعی
حاکمیت قانون	رواج و تشدید پدیده قانون‌گریزی و هنجارشکنی در سطح عمومی / شکل‌گیری مقاومت مدنی در برابر سیستم و کاهش سطح مشروعیت سیاسی حاکمیت
وفاق نخبگان سیاسی	چرخه معیوب گردش نخبگان سیاسی / فقدان اجماع نظر و وفاق نخبگان بر سر مسائل کلان حاکمیتی
شکاف بین جامعه و دولت	کاهش دلبستگی شهروندان به نظام سیاسی / کاهش مشروعیت نظام سیاسی / کاهش میزان مشارکت / افزایش واگرایی در «مای» ملی / کاهش حمایت از نظام سیاسی در برهه-های سرنوشت ساز همانند زمان وقوع جنگ یا بحران داخلی / ...

منبع: نگارنده

۳) وضعیت متغیرهای کلان تهدیدات سیاسی ایران در افق ۱۴۱۲ (۱-۳) کارآمدی حکومت:

«کارآمدی حکومت» به معنای وجود سطح قابل قبولی از ارائه خدمات عمومی به جامعه توسط نظام سیاسی (از خدمات بهداشتی و تحصیلی تا خدمات قضایی و تأمین اجتماعی و...) است که ایفای بهینه این کار ویژه‌های دولت در نهایت به کسب حداکثری رضایتمندی شهروندان منجر خواهد شد. (قانع‌ی راد، ۱۳۸۴: ۱۱). اگر چنانچه سیاست‌گذاری‌های نظام‌های سیاسی در راستای دست‌یابی به «توسعه انسانی» جوامع تنظیم نگردد عوامل منجر به بی‌ثباتی سیاسی در حوزه کارآمدی حاکمیت‌ها در بحران‌های سیاسی-اجتماعی ایفای نقش بیشتری خواهند داشت. با وجود آن‌که در جمهوری اسلامی ایران کیفیت خدمات عمومی ارائه‌شده در حوزه‌های یادشده به مردم از سال ۱۳۷۶ افزایش یافته اما روند کارآمدی حکومت بر اساس آمارهای موجود در سطح مطلوبی قرار ندارد و بنا به تعبیری در حال کاهش بوده است. نمودار زیر برگرفته از آمارهای بانک جهانی این روند کاهشی را در طی دو دهه اخیر نشان می‌دهد.

نمودار ۱. روند کارآمدی حکومت در ایران



منبع: <https://info.worldbank.org/governance/wgi/Home/Reports>

بخشی از کارآمدی حکومت به عملکرد دولت‌ها بر اساس شاخصه‌های شش‌گانه بانک جهانی مربوط است و بخش دیگر به روابط با دیگر کشورها و جلوگیری از اجماع بین‌المللی علیه کشور در سازمان‌های بین‌المللی، روابط با همسایگان و میزان موفقیت در جلب اعتماد و اطمینان آنان ربط پیدا می‌کند.

۲-۳) تضاد قهرآمیز و شورش‌های اجتماعی

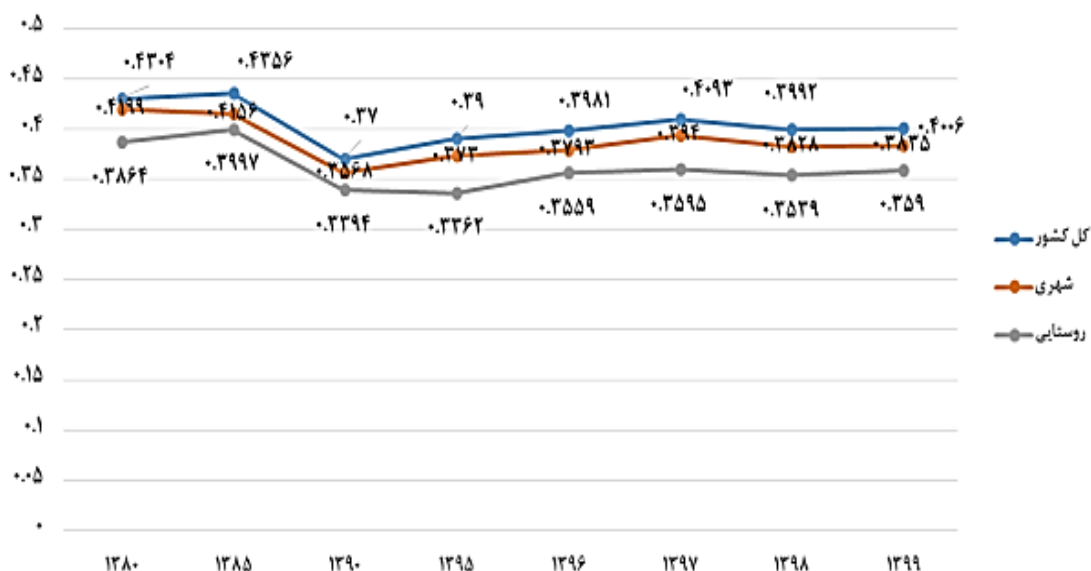
حرکت‌های اعتراضی قهرآمیز و اعتراضات صنفی و ناآرامی‌های خیابانی در ایران طی چهار دهه گذشته با فراز و نشیب‌های زیاد همراه بوده اما در مجموع، سیر تصاعدی حرکت‌های اعتراضی سال‌های اخیر نشان از تضادهای عمیق جامعه و مطالبات انباشته‌شده چند دهه گذشته دارد. اعتراضات و ناآرامی-

هایی که از اواسط دهه ۱۳۹۰ شمسی در ایران شکل گرفته است نسبت به دهه‌های قبل دارای وجوه تمایز خاصی است که از جمله این وجوه تمایز می‌توان به خودانگیختگی قابل توجه معترضان و باور به تعیین‌کنندگی مستقیم و بدون نقش‌آفرینی احزاب و تشکل‌های مدنی- صنفی و سیاسی در مقایسه با اعتراضات دهه‌های قبل، فقدان رهبری مشخص و فراگیر (عمومی شدن اعتراض)، نقش فزاینده و بسیار تأثیرگذار شبکه‌های اجتماعی و تلفن‌های همراه در اعتراضات، گسترش زنجیروار یا سریالی تقریباً بی‌وقفه اعتراضات، افزایش بی‌سابقه رادیکالیسم یا تندروی و تابوشکنی در شعارها (خیابانی شدن اعتراضات)، سیالیت و تحول در تاکتیک‌های اعتراضی، افزایش نقش جوانان، نوجوانان، زنان و مناطق محروم شهری در اعتراضات و... اشاره کرد. (سردار نیا و البرزی، ۱۴۰۱: ۱۲۰-۱۱۵).

۳-۳) نابرابری اجتماعی و اقتصادی (با استفاده از ضریب جینی)

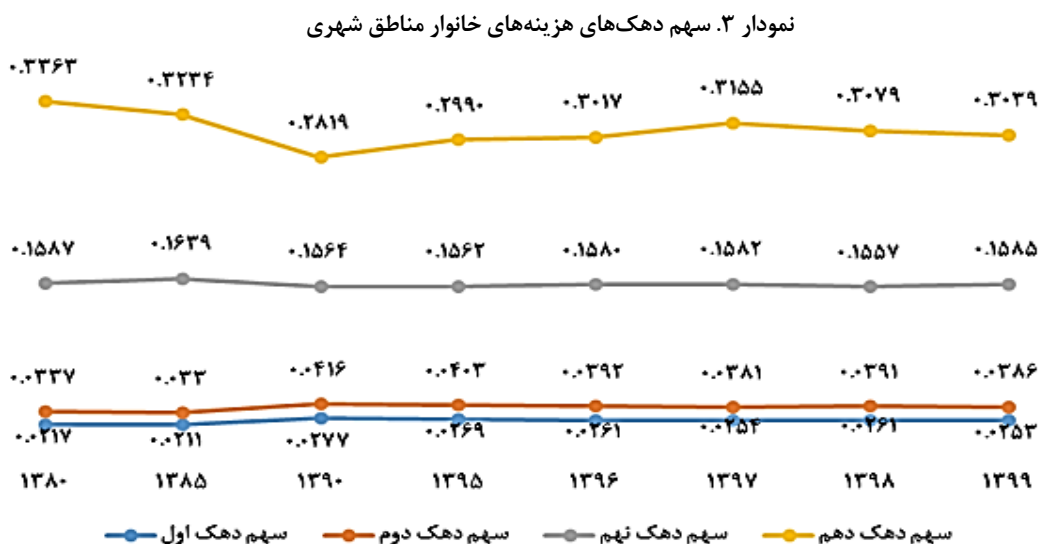
نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی یکی از متغیرهایی است که می‌تواند ریسک اجتماعی در جامعه ایرانی را افزایش دهد. در پیش‌گرفتن سیاست‌های نئولیبرالیستی در چند دهه اخیر در حوزه اقتصاد ایران سبب ساز چرخش سرمایه در دست قشر فرادست جامعه، افزایش تورم، کاهش بودجه، فشار اقتصادی بر طبقات فرودست جامعه و افزایش ضریب جینی شده است. (نیازی و همکاران، ۱۴۰۲: ۶۰-۵۹) پس از پیروزی انقلاب اسلامی نوساناتی در ضریب جینی داشته‌ایم به واسطه اجرای قانون برنامه هفتمندی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ ضریب جینی به زیر ۰.۳۶ کاهش یافته بود. گرچه در دهه ۱۳۹۰ به دلیل برخی سوء مدیریت‌ها، افزایش پیدا کرده است و در صورت عدم تدبیر صحیح اقتصادی در سال‌های آتی بیشتر خواهد شد و تغییرات آن محسوس‌تر می‌گردد.

نمودار ۲. روند تغییرات ضریب جینی در ایران در ۲۰ سال اخیر



منبع: <https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1400/zaribini99.pdf>

یکی از دلایل کاهش ضریب جینی در سال‌های منتهی به دهه ۹۰ شمسی، پرداخت یارانه نقدی است که باعث شد برای مدت کوتاهی قدرت خرید طبقات پایین جامعه تقویت گردد و نوعی عدالت نسبی در بخش یارانه‌ها در اقصاء مختلف جامعه ایجاد گردد که نشان از بهتر شدن وضعیت توزیع درآمدی در آن مقطع خاص در کشور دارد. از سال ۱۳۹۷ به بعد، یکی از مهم‌ترین آثار سوء تورم، بدتر شدن الگوی توزیع درآمد در جامعه و افزایش شکاف طبقاتی به نفع گروه‌های پُردرآمد است. آمار مربوط به سهم سه دهک پائین درآمدی از کل هزینه خانوارها در مناطق شهری نیز این یافته را تأیید می‌کند (نمودار شماره ۲)؛ بنابراین تورم بالای سال‌های اخیر ایران همسو با نتایج جهانی، تأثیر نامطلوبی بر توزیع درآمد داشته است.



منبع: <https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1400/zaribjini99.pdf>

۳-۴) حاکمیت قانون

یکی از مولفه‌های اصلی حکمرانی خوب قانون‌گرایی و حاکمیت قانون است یعنی فرایندی که در آنقانون‌گذاری و عملکرد دولت از شفافیت نسبتاً خوبی برخوردار بوده و علاوه بر آن که دولت به تعهدات خود پای‌بند است مردم و دولت به قوانین موجود در جامعه احترام می‌گذارند. (قنبری و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۶۴) منظور از حاکمیت قانون، احترام همه آحاد مردم، نخبگان فکری و ابزاری فارغ از هر قشر و طبقه، به قانونی است که مبتنی بر مبانی هنجاری و ارزش‌های اساسی جامعه است در واقع اصل «حاکمیت قانون» یکی از مهم‌ترین اصول مطرح و پذیرفته‌شده در قوانین اساسی همه کشورهای جهان است و ابتنای این اصل، بر حاکمیت قوانین موجود در یک کشور است که پیامد اصلی آن، مساوی بودن همگان در برابر قوانین خواهد بود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با معین کردن و تحدید وظایف و اختیارات کارگزاران و مساوی شمردن آن‌ها با دیگر آحاد ملت و همچنین پیش‌بینی مکانیسم‌ها و نظارت‌های متعدد بر دولتمردان، اصل حاکمیت قانون را به رسمیت شمرده

است (راعی و عطریان، ۱۳۹۱: ۱۲۳) بر اساس نتایج پژوهش‌های انجام‌شده از اوایل دهه ۱۳۸۰ شمسی حاکمیت قانون در جمهوری اسلامی روند کاهشی تجربه کرده (محمدی‌لرد، ۱۳۹۳: ۲۳۶-۲۳۸) و پیش‌بینی می‌شود در سال‌های آینده این روند شتاب بیشتری به خود بگیرد و شاهد قانون‌گریزی‌های بیشتری هم در سطح عامه جامعه و هم در میان نخبگان اجرایی باشیم.

۳-۵) وفاق نخبگان سیاسی

یکی از شروط برقراری ثبات سیاسی، وجود توافق میان نخبگان در خصوص اهداف جامعه سیاسی است که این مسئله به‌نوبه خود به نهادینه شدن فرهنگ سیاسی دموکراتیک و امکان انتقال مسالمت‌آمیز قدرت سیاسی میان نخبگان منجر خواهد شد. نخبگان یک جامعه می‌توانند با اشاعه تعصب، عدم تساهل و بی‌احترامی به قانون، ذهنیت افکار عمومی را در جهت کنش‌های بی‌ثبات‌کننده تحریک کنند و یا با ترویج عقلانیت و مدارای اجتماعی زمینه را برای حل و فصل منازعه‌های خشونت‌آمیز در جامعه فراهم سازند. با وجود گذشت چهار دهه از حیات جمهوری اسلامی اما همچنان توافق جامعی در خصوص اهداف دولت و سیاست، توسعه و روش‌های دستیابی به آن و سایر مفاهیم کلان حاکمیتی و اجتماعی وجود ندارد و تعارض و تشتت آراء در بسیاری از موارد خود به عنوان یکی از عوامل تشدیدکننده بی‌ثباتی تبدیل شده است.

۳-۶) شکاف بین جامعه و دولت

مطالعات جامعه‌شناختی تاریخی بیانگر آن است که شکاف بین جامعه و دولت یکی از ویژگی‌های ذاتی و تاریخی جامعه سنتی ایران بوده است. بر اساس دیدگاه شکاف و تضاد تاریخی بین دولت و جامعه، دولت‌ها نماینده هیچ‌یک از طبقات و نیروهای اجتماعی در ایران نبوده و به همین جهت به مشروعیت و پشتوانه مردمی نیاز چندانی نداشته و مشروعیت آن‌ها ناشی از واقعیت قدرت خود بوده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۷۵) از این جهت خودبسندگی دولت‌ها سبب بیگانگی نیروهای اجتماعی و دولت از یکدیگر شده و تنها رابطه بین این دو موجب اعمال سلطه یکطرفه حاکمیت بر جامعه و اطاعت و انقیاد جامعه در برابر آن بوده است. (زیباکلام، ۱۳۷۷: ۳) بدینی تاریخی جامعه ایرانی به سپهر سیاست و در مقابل تمامیت‌خواهی دولتی سبب شده تا جامعه به تدریج دل‌بستگی‌ها و تعلقات خود را به نظام سیاسی از دست بدهد و در بسیاری از مواقع کنش اعتراضی از خود در مقابل نظام سیاسی و تصمیمات آن بروز دهد. بحران‌های بی‌ثباتی سیاسی در ایران بعد از انقلاب به

علت تحمیل خسارت های مادی و معنوی به جامعه، باعث کاهش سرمایه اجتماعی، واگرایی های سیاسی و اجتماعی در جامعه، به چالش کشیدن مشروعیت نظام سیاسی و در نهایت فراهم کردن زمینه برای خلق شورش های اجتماعی شده است. شواهد بیانگر آن است که علیرغم اینکه نظام سیاسی در چهار دهه گذشته به بحران های بی ثباتی سیاسی غلبه کرده؛ اما با پشت سرگذراندن هر بحران بی ثباتی سیاسی شکاف بین جامعه و دولت بیشتر شده، به گونه ای که اکنون بین خواسته های حاکمیت و خواسته های جامعه شکاف گسترده ای دیده می شود.

۴) سنجش ارزیابی نوع و شدت تهدیدات بی ثباتی سیاسی ایران در افق ده ساله

بر اساس مباحث طرح شده در ادبیات تحقیق و جدول شاره یک، تهدیدات بی ثباتی تجمیع شده در ماتریسی فهرست و با استفاده از دیدگاه خبرگان مشارکت کننده در پنل خبرگی تکمیل گردید. جدول زیر جمع بندی این مباحث را نشان می دهد:

جدول ۴. سنجش ارزیابی نوع و شدت تهدیدات بی ثباتی سیاسی ایران در افق ده ساله

تراکم و گستره	متراکم	متراکم
توان تهدید	قوی	قوی
فوریت مکانی	نزدیک	نزدیک
فوریت زمانی	قریب	قریب
دامنه تهدید	محدود	وسیع
توان تهدید	خیلی زیاد	خیلی زیاد
عمق تهدید	مهم	حیاتی
ابعاد تهدید	اجتماعی	سیاسی
احتمال وقوع	زیاد	زیاد
ماهیت تهدید	غیرسیاسی	غیرسیاسی
دامنه و گستره تهدید	زیاد	زیاد
شاخص های ارزیابی	معطل	معطل
کار ویژه	واقعی	واقعی
الگوبره	غیر عمدی	غیر عمدی
کانون تهدید	ساختاری	ساختاری
جنس تهدید	عینی	عینی ذهنی
جغرافیای تهدید	داخلی	داخلی
سطح تهدید	ملی	ملی
شاخص های سنجش	نابرابری های اجتماعی و اقتصادی	کاهش کارآمدی حکومت

پراکنده	قوی	نزدیک	قرب	محدود	زیاد	مهم	سیاسی	زیاد	سیاسی	زیاد	مسئله	واقعی	عمدی	بازیگران	عینی	داخلی	ملی	تضاد قهرآمیز و شورش‌های اجتماعی
مترکم	قوی	نزدیک	قرب	وسیع	خیلی زیاد	حیاتی	سیاسی	زیاد	غیرسیاسی	زیاد	معضل	واقعی	غیرعمدی	ساختاری	عینی / ذهنی	داخلی	ملی	کاهش حاکمیت قانون
مترکم	قوی	نزدیک	قرب	محدود	زیاد	مهم	سیاسی	زیاد	غیرسیاسی	متوسط	مسئله	واقعی	غیرعمدی	بازیگران	عینی	داخلی	ملی	کاهش وفاق نخبگان سیاسی
مترکم	قوی	نزدیک	قرب	وسیع	خیلی زیاد	حیاتی	سیاسی / اجتماعی	زیاد	سیاسی / اجتماعی	زیاد	معضل	واقعی	غیرعمدی	ساختاری	عینی / ذهنی	داخلی	ملی	شکاف بین جامعه و دولت

منبع: نگارنده

با توجه به جدول فوق، سطح اغلب تهدیدات تأثیرگذار بر وقوع بی‌ثباتی سیاسی، ملی و جغرافیای اغلب آن‌ها، داخلی است. جنس اغلب آن‌ها عینی و از نظر کانون تهدید، ساختاری می‌باشند. اغلب تهدیدات، واقعی بوده و در حد مسئله و معضل می‌باشند. احتمال وقوع اغلب آن‌ها زیاد و خیلی زیاد بوده و عمدتاً دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌باشند. توان تهدید اغلب آن‌ها زیاد و خیلی زیاد بوده و دامنه آن‌ها وسیع ارزیابی شده است. از نظر فوریت زمانی، غالباً قریب‌الوقوع بوده و از نظر فوریت مکانی نزدیک می‌باشند. از نظر توان و تراکم تهدید نیز غالباً قوی و مترکم ارزیابی شده‌اند.

۵) روندهای آینده بی‌ثباتی سیاسی

در ادبیات سیاسی، مفهوم بی‌ثباتی سیاسی بیانگر وضعیتی است که در آن، فضای سیاسی-امنیتی یک کشور در سایه ابهام قرار می‌گیرد و صاحب‌نظران اطمینان چندانی به تداوم وضع موجود ندارند. با توجه به تغییرات محیطی، بی‌ثباتی‌های سیاسی از پیچیدگی و پویایی زیادی برخوردارند و همواره

در گونه‌ها و شکل‌های متنوع و تحول‌یافته‌ای ظهور می‌کنند، بنابراین، ابزارها و روش‌های بررسی آن‌ها به‌طور مستمر نیازمند بازاندیشی و بازسازی است. از آنجایی که بحران‌های توسعه سیاسی به‌صورت دومینوار با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند؛ نشانه‌های بحران مشارکت در جامعه ایرانی در طی چند سال اخیر نمایان شده است (رمضانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۱۰-۱۰۹) بر اساس شیب تهدیدات و نوع تأثیر آن بر ثبات سیاسی و احتمال وقوع آن در افق زمانی ده‌ساله (جدول شماره ۵) یکی از بحران‌های مورد انتظار در این چشم‌انداز، بحران مشروعیت است که بیشتر با کارآمدی دولت مرتبط است و اینکه مدیران جامعه نتوانند وعده‌های خود را عملی کنند یا اعمال افراد، ادعاهای آنان را تأیید نکند. در این صورت بحران مشروعیت ایجاد می‌شود. تهدید دیگر طی افق مذکور، بحران توزیع در مدیریت منابع است؛ یعنی وقتی منبع محدود است، بحران توزیع شکل خواهد گرفت. البته در این میان، مدیریت نقش مهمی دارد؛ ولی وقتی منابع محدودند، کاری نمی‌توان کرد. در این شرایط اضافه پرداخت به یک گروه، باعث کاهش پرداخت به گروه دیگر و در نتیجه شکل‌گیری بحران توزیع و متعاقباً تهدیدات سیاسی خواهد شد.

بی‌ثباتی سیاسی امری چندلایه و تدریجی است و فقط شامل چالش‌ها و تهدیدات معطوف به حکومت و نظام سیاسی نیست؛ بلکه چالش‌ها و تهدیدات معطوف به هنجارها، مقامات و تصمیمات سیاسی و اقتصادی را نیز در برمی‌گیرد. به‌علاوه، این بی‌ثباتی‌ها فقط در شکل منازعات برون‌حکومتی و غیر نهادی جلوه‌گر نمی‌شوند، بلکه در شکل تعارضات و منازعات درون‌حکومتی نظیر تغییرات غیرمتعارف بازیگران سیاسی و سیاست‌ها و همچنین ناسازگاری‌های مزمن میان نیروها و نهادهای حکومتی خودنمایی خواهند نمود. دوم اینکه بی‌ثباتی سیاسی امری ادراکی و نسبی است؛ به‌عبارت‌دیگر اثرات بی‌ثبات‌کننده رویدادها از دوره‌ای به دوره دیگر متفاوت است و این تفاوت ناشی از تجربیات و تصوراتی است که مردم یا مقامات حکومتی در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت از این رویدادها دارند.

جدول شماره ۵: روند متغیرهای موردنظر برای پیش‌بینی بی‌ثباتی بر اساس دیدگاه خبرگان

تهدید	شیب	نوع تأثیر بر ثبات سیاسی	احتمال وقوع در افق ۱۴۱۲
کاهش کارآمدی حکومت	صعودی	منفی	زیاد
نابرابری اجتماعی و اقتصادی	نزولی	منفی	خیلی زیاد
تضاد قهرآمیز و شورش‌های اجتماعی	نزولی	منفی	خیلی زیاد
کاهش حاکمیت قانون	نزولی	منفی	زیاد
کاهش وفاق نخبگان سیاسی	نزولی	منفی	زیاد
شکاف بین جامعه و دولت	صعودی	منفی	خیلی زیاد

منبع: نگارنده

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یکی از اهداف علم سیاست جلوگیری از شکل‌گیری چرخه خشونت و به‌ویژه به‌منظور رویارویی با اقتدار حاکمیت است. در این نگاه سیاست‌فرایندی است که بر اساس آن اجتماعات انسانی اهداف خود را تعقیب کرده و اگر چنانچه در این مسیر، تضاد و تعارض‌هایی بر سر ارزش‌های اساسی جامعه، اهداف جامعه و یا روش‌های دست‌یابی به اهداف بروز کند علم سیاست به مدیریت تعارض و حل آن اقدام خواهد کرد. پژوهش‌پیش‌رو با هدف آینده‌پژوهی تهدیدات سیاسی تأثیرگذار بر وقوع بی‌ثباتی سیاسی در افق ده‌ساله (۱۴۱۲-۱۴۰۲) با رویکرد آینده‌پژوهی از نوع اکتشافی آن با بهره‌گیری از ابزار روشی پیمایش محیطی متون و مصاحبه خبرگانی به نگارش درآمده است. در بخش پیمایش محیطی متون علاوه بر بررسی پیشینه‌ها و محتوای آن‌ها در

خصوص بی‌ثباتی سیاسی و بهره‌گیری از دیدگاه‌های مختلف در خصوص بی‌ثباتی در بخش چارچوب نظری و ترسیم مدل مفهومی پژوهش، روند پژوهی از بی‌ثباتی سیاسی در ایران بعد از انقلاب انجام گرفته است. در بخش مصاحبه خبرگانی هم پس از شناسایی گویه‌ها و تنظیم پرسشنامه و همچنین به دست آوردن میانگین اهمیت گویه‌ها، تعداد ۱۹ گویه شناسایی شده در تعداد پنج مضمون کلان و فراگیر سازمان‌دهی شده و سپس به تحلیل وضعیت پنج عامل سیاسی اصلی تأثیرگذار بر بی‌ثباتی سیاسی پرداخته شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش در بخش روند پژوهی و تحلیل عوامل و تهدیدات شکل‌دهنده به بی‌ثباتی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، بی‌ثباتی سیاسی یکی از تهدیدات عینی و جدی است که در سال‌های آینده صحنه سیاست را در جمهوری اسلامی ایران تحت‌الشعاع خود قرار خواهد داد و اگر چنانچه روندها به همین ترتیب ادامه یافته و تغییری در آن‌ها صورت نگیرد و سیاست‌گذاری‌ها برای اصلاح آن‌ها در اولویت نباشد، شرایط ساختاری لازم برای بروز بی‌ثباتی سیاسی در جمهوری اسلامی طی افق ۱۴۱۲ فراهم است. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که بحران بی‌ثباتی سیاسی در آینده به افراطی شدن اعتراضات و خشونت‌بار شدن آن‌ها کمک بسزایی خواهد کرد و می‌تواند پیامدهایی همچون افزایش فشار، تهدید و اقدامات نهادهای فراملی از جمله نهادهای حقوق بشری بر کشور، افزایش رکود و رخوت سیاسی و افول فاحش نرخ مشارکت، ایجاد بحران مشروعیت، گسترش اعتراضات مدنی و تبدیل شدن آن‌ها به خشونت و آشوب، به وجود آمدن زمینه‌های نفوذ سیاسی در داخل، فرار سرمایه مالی و نخبگان از کشور، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در ایران برای نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در پی داشته باشد. پایه و اساس بحران بی‌ثباتی سیاسی در ایران در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی است و پیشگیری از وقوع بحران و تشدید آن، نیازمند در پیش گرفتن اقدامات در حوزه جامعه‌شناسی خواهد بود تا از وقوع گسست‌های اجتماعی بیشتر و شکاف بین حاکمیت و ملت جلوگیری به عمل آید. از جمله مهم‌ترین اقدامات که می‌تواند به اصلاح روندهای فعلی و از وقوع بی‌ثباتی‌های سیاسی در آینده کمک بسزایی نماید می‌توان به اعتمادسازی بینا اجتماعی و بینا حاکمیتی، شفافیت در نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، حاکمیت قانون در همه سطوح، بهبود نظام سلامت اداری، ارتقای سطح سواد رسانه‌ای جامعه، فراهم ساختن فضای گفتگوی درون نخبگانی و حاکمیتی، اصلاح نقش دین در جامعه و سیاست

(بازنگری در نوع نگاه حاکمیت به جامعه در حوزه دینداری و پرهیز از قرائت‌های بسته در حوزه حکمرانی دینی)، پرهیز از یکتانگاری جامعه و پذیرش تنوع فکری و گفتمانی در سطح جامعه، اجرای اصل تعارض منافع در میان مسئولان، باور به اصل شایسته‌سالاری و اجرای عادلانه آن، بازسازی سرمایه اجتماعی و هویتی در نسل جوان و... اشاره کرد.

فهرست منابع

1. Abdullah Khani, Ali (2006) International Security (No. 3) Opportunities, Threats and Challenges Facing the National Security of the Islamic Republic of Iran, Tehran, Publications of Abrar Contemporary International Studies and Research Institute, Tehran. (In Persian)
2. Azimi Dolatabadi, Amir (2007) Conflicts of political elites and political stability in the Islamic Republic of Iran. Tehran, Publications Center of Islamic Revolution Documents. (In Persian)
3. Bashirieh, Hossein (2002) An introduction to the political sociology of Iran in the period of the Islamic Republic. Tehran, a contemporary look. (In Persian)
4. Fawzi Tuiserkani, Yahya (2005), social political developments after the Islamic revolution in Iran, Tehran, Arouj publishing house. (In Persian)
5. Ger, Ted Robert (2002) Why do people riot? Translated by Ali Morshidizad, Tehran, Institute of Strategic Studies. (In Persian)
6. Ghanbari, M & Soleimani, Gh & Tabatabaei. S.M . (2023). A comparative study of future studies on the political dimension of good governance in the ummah-imamate system and the liberal democracy system. Journal future studies of the Islamic revolution 3(4), 161–195.
7. Ghasemi Turki, Mohammad Ali (2007) "New Social Movements: A Case Study of Azerbaijan", Strategic Studies Quarterly, 10, 35: 61-87. In: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/193362> (August 10, 1402) (In Persian)
8. Jasbi, Abdullah (2000) Inclusive Organization: A Review of a Decade of Activity of the Islamic Republic of Iran Party (Volume 1), Tehran, Scientific Publishing Center of Islamic Azad University. (In Persian)
9. Katouzian, Mohammad Ali (2004), Conflict between the state and the nation: the theory of history and politics in Iran, Ali Tayeb, Tehran, publishing center. (In Persian)
10. Khajeh Sarvi, Gholamreza (2016) "A framework for analyzing political competition and political stability with a view to the experience of the Islamic Republic of Iran" Political Science Quarterly, 2, 3: 85-116 in: <https://sid.ir/paper/134606/fa> (August 12, 1402) (In Persian)
11. Mohammadi Lord, Abdul Mahmoud (2013), Future research of political stability, Tehran, Strategic Studies Research Institute. (In Persian)
12. Moradian, Mohsen (2006) Introduction to dimensions and manifestations of threats, Tehran: Rasha Publications. (In Persian)

13. National Security Yearbook of the Islamic Republic of Iran (2016), Tehran, Strategic Studies Research Institute (In Persian).
14. National Security Yearbook of the Islamic Republic of Iran (2018), Tehran, Institute of Strategic Studies (In Persian).
15. Niazi, M & Goudarzi, F & Mazroui, E. (2023). Futures studies of social risk in Iran based on the causal Stratified analysis approach. Journal future studies of the Islamic revolution, 1(4), 39–73.
16. Panahi, Mohammad Adel (2013) "Income on political stability: towards the knowledge of types and indicators" Strategy Quarterly, 12, 31 at: <https://civilica.com/doc/1350146> (August 15, 2023) (In Persian)
17. Qanei Rad, Mohammad Amin (2014), Social Development Approach to Poverty Alleviation Programs in Iran, Social Welfare Quarterly, 5, 18: 223-261. In: <https://www.sid.ir/paper/56424/fa>. (August 19, 1402) (In Persian)
18. Rai, Massoud, Faramarz Atrian (2013) "The Rule of Law and Government Provisions in the Constitution of the Islamic Republic of Iran", Islamic Government Quarterly, 17,1: 123-146 in: <https://elmnet.ir/article/1324777-11389> August 10, 1402 (In Persian)
19. Ramezani, Malihe; Nikunahad, Ayub; Eivazi, Mohammad Rahim (2021) "Identification and analysis of drivers affecting the future of political participation in Iran and the upcoming scenarios", Contemporary Political Studies, 12, 2: 77-112 (DOI 10.30465/CPS.2021.34588.2699) (In Persian)
20. Sardar Nia, Khalil; Alborzi, Hengameh (2022) "Analysis of the recent labor-social protests in Iran from the perspective of street politics theory", Strategic Policy Research Quarterly, 11, 40: 103-145 DOI: 10.22054/QPSS.2021.64113.2938 (In Persian)
21. Saunders, David (2001), Patterns of Political Instability, Tehran, Strategic Studies Research Institute. (In Persian)
22. - voros, Joseph. (2008) "Integral Futures: An approach to futures inquiry Futures inquiry" 40,2: 190-201. available at: <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0016328707001735>. (accessed 11 August 2023)
23. Yearbook of National Security of the Islamic Republic of Iran (2017), Tehran, Institute of Strategic Studies (In Persian).
24. Zibakalam, Sadegh (1998), Tradition and Modernity (finding the root causes of the failure of reforms and political modernization in Qajar-era Iran), Tehran, Roozbeh Publications. (In Persian)

25. -"The trend of changes in the Gini coefficient in the last 20 years" (May 2, 2021) Iran Statistics Center: <https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1400/zaribini99.pdf> (March 24, 2023) (In Persian)
26. -Bell, wendel (2003) Foundations of Futures Studies: Volume (1) History, Purposes, and Knowledge (Human Science for a New Era Series), 1st Edition, London: Routledge.
27. -Bozan, Bari (1999) People, governments, fear. Tehran: Translation and Publications of Strategic Studies Research School. (In Persian)
28. -the efficiency of government in Iran from 2011 to 2021"(april 2021) .available at: <https://www.worldbank.org/en/country/iran/overview>.(accessed 14August 2023)

